

## همشهری جوان



## کارتون‌های مهم‌هانا—باربرا

## Puss Gets the Boot



لین مجموعه کارتونی مشترک ۱۹۴۰میلیام هانا و جوزف باربرا که سال ۱۹۴۰ میلادی منتشر شد، شامل ۱۲ قصه کوتاه است که در آنها شخصیت‌هایی موش و بودنی بودند که بعد از آنها به عنوان تام و جری شناخته شدند. این مجموعه تاکنون با قسمت‌های بارها مدتش کوتاه برنده جایزه اسکار در Short Subject شده.

نمایش راف و ردی

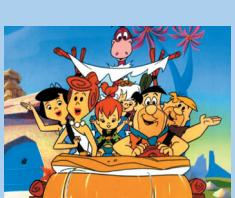


میان نمایش تلویزیونی «هانا-باربرا» سال ۱۹۵۷ از کanal آن بی‌سی پخش شد. راف، گربه‌ای بود با صدای دان میک و ردی یک سگ با لهجه غلیظ کوب آمریکا که دان باتلر مشهور به یش می‌گفت. این اولین مجموعه کارتونی «هانا-باربرا» بود که خصیت‌هایش، با تدبیک‌گویی، صدایشها حرف می‌زدند و این کار

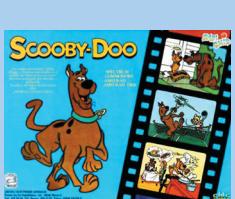
نمایش یوگی خرسه



فیلیسٹر،‌ها (عصر حجر)



اسکوبی - دو



در قدیم معمول بود که صاحبان یک کمپانی هالبودی با ستاره‌های تحت قراردادشان عکس‌های دسته جمعی بگیرند. شخصیت‌ها از آن‌تویی کمپانی مطالعه باشند. بازیگران در خالق شان جزو برآورده و بیلیام هاون شنسته‌اند و یک طرح دسته جمعی تلقی‌فروخته اند. این هاروی مانا شناخته هستند. آشنازی‌ها خود را پیدا کنید!

همه چیز درباره کمپانی هانا- باربرا

# لیپوتدھہ شصتی‌ها!

نوید غضنفری

خدارا صدھزار مر تبه شکر، ما باقی مانده نسلی هستیم که از همان اول یاد گرفت، تنها سرگرمی اش برنامه کودک و نوجوان تلوبیزیون است و با شخصیت هایی مثل گوربل بنش پازنده متربی و بوگی خرسه و بیگلی ایینها آشنا شد که این موقع مرتب از تلویزیون پخش می شد. چقدر آدم های خوشبختی بودیم و قدرشان رانمی دانستیم. این راهنمی دانستیم که فقط ما با گوربل انگوری و رفاقتیان زندگی نکرده ایم. بلکه این کارتون ها و شخصیت های محبوب شان، تقریباً برای یچهار های دو دهه ۶۰ + ۷۰ سراسر جهان آشنا هستند و رفتارها و تکیه کلام های این شخصیت ها توی فرهنگ عمومی شان نفوذ کرده. این مطلب (هر چند ناقص و خلاصه) علاوه بر این که پر از آمار و اطلاعات درباره این کمپانی «غیربیه آشنا» تهیه کارتون است، اشاره ای دارد به مؤلفه ها و نشانه هایی که از دل فرهنگ روز و پاپ آن موقع بیرون آمد و روی این کارتون ها و شخصیت هایشان تأثیر گذاشت و یا بر عکس، از دل این شخصیت ها و طرز حرف زدن شان بیرون آمده و به جزئی جدانشدنی از فرهنگ عامه مردم جهان تبدیل شده.

باشید و از صحیح روزهای جمعه، خاطره خوش به یاد نداشته باشید.

خبری از بیدار باش صحیح زود برای رفتن سر کلاس‌های درس نبود و تمام اهل خانواده پای سفرهٔ صبحانه جمع می‌شدند و مدتی بعد کارتون‌های خاطره‌دانگز شیکه دو شروع می‌شد. «صحیح شنبه» ها برای اهالی خارجه، حکم همان صحیح جمعه‌های ما را دارد.

مجموعه‌های کارتونی محصول «هانا-باربرای» از اوایل دهه ۱۹۶۰ پرینتینده ترین برنامه‌های تلویزیون در سراسر آمریکا شد. مجموعه مشهور «هاکلبری هوند» (سگ ساده لوح و آبی رنگ یوگی و دوستان) که بعد از آن «نمایش یوگی خرسه» تغییر نام داد، یا «نمایش کوییک در امک گرا» (اسب هفت تیر کش یوگی و دوستان) و مجموعه «تاب کت»، «فلینستن‌ها» و «جانی کوئست»، همه در ساعت‌های اصلی پخش تلویزیونی نمایش داده می‌شدند و طرفداران پر و پاًرصی داشتند. هانا و باربرا هم آن قدر باهوش بودند که قادر بودند که فرسته‌های طلایی را بدانند و در سری‌های مختلف، مرتب به خود و کارکترهای تولیدشان ارجاع بدهند، مثلاً از کارکتر اصلی فلاں سری به عنوان شخصیت مهمان در بهمن سری کارتونی شان استفاده می‌کردند، نمونه‌های کوییک در امک گرا که علاوه بر شوی مخصوص خودش، در سری‌های دیگر نیز ظاهر می‌شدند. نزدیک به بیست سری تلویزیونی از روی فلینستن‌ها شخصیت‌هایش ساخته شد و یکی از قسمت‌های این مجموعه، پرینتینده ترین برنامه تاریخ نمایش تلویزیونی آمریکا شناخته شد.

بسیاری از کارتون‌های «هانا-باربرای» که برای ماجه‌های ایران بعد از انقلاب آشناست، متعلق به همین دوره یعنی دوران امپراتوری این کمپانی است. کارتون‌هایی مثل «یوگی و دوستان» که «هانا-باربرای»، «تاب کت»، «کارکترهای مخلوق» و «همج» که

نوشتمن درباره کمپانی تولید کارتون «هانا-باربرای» از یک طرف، کار ساده‌های است و از یک طرف کاری سخت، یعنی از همان کارهایی که به‌اش می‌گویند سهل و ممتنع. به این دلیل ساده است، چون می‌توانی از آمار و اطلاعات فت و فراوان اینترنتی استفاده کنی و خلاص. اما فکر می‌کنید این طوری حق مطلب ادا می‌شود؟ آن هم برای ما که تاذهنمان یاری می‌کند و تصاویر تقریباً محو کارتون‌های دوران چیزی را به یاد می‌آوریم، فرم و طرح‌های حال آشنای «هانا-باربرای» برایمان تداعی می‌شود و اصلاً بیشتر همان نوع طراحی، به عنوان کارتون در ذهنمان حک شده. حتی شخصیت‌های خوب قصه‌ها با شمایل قابل اعتماد گالبیور و با ظاهر مرتب و باوقاً یوگی خرسه یا ییگلی با آن کلاه و پاپون (مثل بازیگران دوره کلاسیک سینما) همراه با لبخندی کج در ذهنمان نقش بسته‌اند و شخصیت‌های شرور را با چانه‌هایی کشیده مثل کاپیتان لیچ یا سبیل‌های نازک مثل شخصیت‌های منفی «یوگی و دوستان»، به یاد می‌آوریم. اگر صدای دوبلورهایشان را فراموش نمی‌کنیم و هی می‌گوییم دوبلۀ کارتون‌های جدید چنچی به دل نمی‌زند، به خاطر لجباری و نوستالتی بازی مان نیست. چون صدای اصلی این شخصیت‌ها هم متعلق به کمدین‌های مشهور آن موقع امریکا، نبغه‌هایی مثل دان مسیک و داس باتلر بوده که ضمن گویندگی و تیپ‌سازی‌های بی نظری شان، داشتند پایه‌فرهنگ پاپ محاوره‌ای کشورشان را می‌ساختند. دوبلورهای فیلم ما هم این نکته را به درستی گرفته بودند و داشتند با جای بای آن استادان می‌گذاشتند. یادگارشان هم جمله‌ها و عبارت‌هایی است که هر کدام روح و نبض زمانه را در خودش دارد و هنوز هم آن‌ها در

بررسی سه دوره با بررسی پریمیر  
شکل لوگوی مشهور این کمپانی روی تیتر از شروع «ماجراهای گالیور» و «گوریل انگوری» و این اواخر «لوک خوش شانس» (با این که آن موقع خواندن حروف انگلیسی برای ماساخت بود) جایی در اعماق CartoonNetwork ذهنمنام باقی ماند تا وقتی این روزها شبیه دیدیم، آن را میان لوگوهای مختلف به یاد بیاوریم و با این که کارتون هایی مثل «اسکوکوی-دو» هیچ وقت از تلویزیون مان پخش نشد اما فاز قسمی ها، س و شکل کاراکترها، طرز لباس ها و راه رفتن و هزار و یک چیز دیگر حدس بزنیم که Cartoon Network و «هانا-باربرا» دستستان توی یک کاسه است.

**بعید است جزو آن نسل مورد اشاره در مقدمه ابتدای همین مطلب  
 بصیرت سنبه های داع!  
 برنامه رقابت**



# زادگاه گوریل انگوری و رفقا

یکی از شرکت‌هایی که تعداد زیادی از کارتون‌های محبوب دوران کودکی ما را تولید کرده است، شرکت «هانا – باربرای» است. تام و جری، یوگی و دوستان، گوریل انگوری، گالیور، لوك خوش‌شانس، زیب‌دیوار، ۳۰۰۰م تعداد آثار کار تام هاستن، که

# TOM and JERRY

۵۵

دنیای تام و جری، خیلی نشاط‌آورتر و دوست‌داشت‌تر از دنیایی است که ما داریم در آن زندگی می‌کنیم

## موسیقی مثال

امیر قادری

این نه سینماست. خسرودهان، زمانی می‌گفت تام و جری هر فیلمی کجاست؟ گریه‌باید موش را گیرید و موش باید فرار کند. توی نی، همه‌چیز هست: تعليق، تصرک، هیجان، ریتم و حرک. یک داستان جهانی، از عیب‌دراگانی خودمان گرفته که منظمه شووش و گریه را نوشه تا فرد کوئیمی که تهیه کننده مهم ترین قسمت‌های مجموعه نام و جری بوده. گریه به موش می‌رسد یا نه؟ موش رامی خورد یا نه؟ در جهی کی است آخرش است. نقله تمرکز مهم است. فیلمسازهای زیبادی در تاریخ سینما آزو زدنشاند که چنین فرمی گیرشان بیاید. هفت هشت دقیقه‌ای که با تعیق قطب‌های مشت و منفی آن را برگردانند. آن طوری می‌شود نماشگران را تاهمه جا برد. می‌توان سرگشش کرد. شعار کمیابی متروکلدوین مایر (که تام و جری هم جزو محصولات معروف به حساب می‌آید) این است: THAT'S ENTERTAINMENT! معنی این است سرگرمی. منتهای این کلمه سرگرمی، چیز کی نیست. خیلی چیزها همچو این بود. بروای به دست آوردن اش خیلی چیزها را باید داشت و اضافه کرد. فعلکاری به ساخت و اجرانداری. بخشی از آن جه نماشی تام و جری را برگردانش نشین چذاب می‌کند. این هاست:

**۱** **نفرت:** در تام و جری حتی از این هم پیشتر بی‌پیشتوانه، شعارهای سطحی همه چیز را که کیم و مرگ و لبخندی هست. بعد از مرگ هانا، کمیابی نمی‌شود. کارتون‌های راکفرا موس تکرارهای کیم و از قاعده‌های که صاف‌دانه چین دیباپ را شناسانم می‌دهد. یک‌چور تلاش برای پوزنی است. عشق و نفرت توأم. نگاهی که می‌باورم کیم، موش قرار است گریه را برد و گریه‌موش را نکشیده اصلی قدرت است. به آن شهری است که ورود و حضور هر فرد تکه‌های کشیده از کارکترهای مخلوق خوش و هادا اعقاد فلی دارد و همچنان در تولید مجموعه‌های جدید آشده‌دید. فریبیست، تهیه کننده تلویزیونی به جو و بارباری برناهای میل «ماروی بردن» که حق ناشمان را معرفت می‌نماید. شکسته داشت، استعداد عجیب در احیا مجدد کارتون‌های که اما همان الگو فرمت قدیمی و موفق هست. یک دنیای پراز «شوتک». سه‌ماخته شد. اخرين مخصوص کمیابی بارگزب شناسایی «هانا-باربری» در سال ۱۹۹۰ و رشکسته شد و «هانا-باربری» را برای کیفیت‌های بصری اهمیت نمی‌دانند. تم‌های آشنا و فروش گذاشت.

**۲** **بازی:** تام و جری نمی‌میرند. فرسترنکاری و به هوش امند. دارند. فوراً باز و بزندمی شوند. خشوت کنندو بی‌شیله پیله می‌بینیم. همین است که هست. دیگر از آن شعاعهای اخلاقی گرایی قلای و مهریانه‌ای کلی خبری نیست. تام و جری رانگاهی می‌کنند. اما خیال‌مان را درست که همان‌ها را تام و جری، تام از وسط نصف می‌شود. سر تام می‌خورد که به یک چهار یا به تبدیل می‌شود. از سر تا پیش از آن، گریه‌ای را که همان عالم‌لایه امید کند تا مشترک، خوار مشترک، زندگی مشترک. تام و جری رانگاهی کیم و مسیر زندگی همان را پوست کنندو بی‌شیله پیله می‌بینیم. همین است که هست. دیگر از آن شعاعهای اخلاقی گرایی قلای و مهریانه‌ای کلی خبری نیست. تام و جری رانگاهی می‌کنند. اما خیال‌مان را درست که همان‌ها را تام و جری، تام از وسط نصف می‌شود. سر تام می‌خورد که به یک چهار یا به تبدیل می‌شود. از سر تا

## تام و جری



جوزف باربری و ولیام هانا را درین بکسی  
دیگر از مخلوقات شان می‌بینند. گویل انکوری  
و یونی و دوستاش براز ما آشنا هستند



استورک‌ها یک از  
کارتون‌های پیش‌رو  
هانا-باربری از دهه بود

## تاندرکتز علیه یوگی و دوستان!

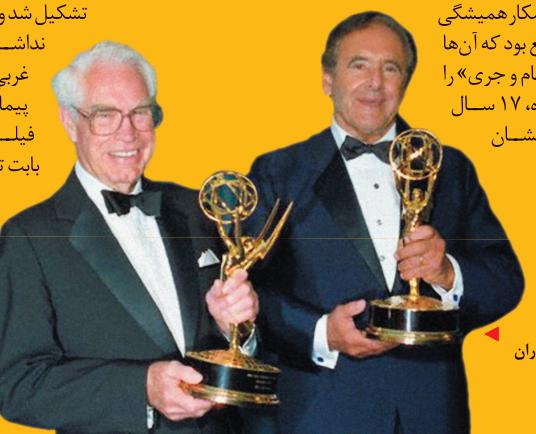
تولید کارتون در دهه ۷۰-۸۰ در آن زمان داستان‌ها و لوگوی معروف MTV کار او است سبیرت، شخصیت‌های انسان‌سیاب بازی‌های اکشن و مجموعه کارتونی مثل «تاندرکتز» بین پیشنهادهای کاهش می‌دانند. مثلاً در اواسط دهه ۷۰، هنریه یک قسمت ۲۲ دقیقه‌ای (۳۰ دقیقه‌ای با اگهی‌های تجارتی بین‌المللی) می‌گردید که تا اینجا نیز بود که مجموعه‌ای حدود ۴۵ هزار دلار می‌شد که برای بود بازی‌های ساخت یک دوره طراحی می‌شد. از این به بعد خالق اثاری می‌تواند «سماورف» و «سنورک» (که مجموعه‌های زیادی مثل «آمایشگاه دکستر» با اوایل دهه ۷۰، جمعه‌ها به دعازدگان ظهر از شبکه ۱ خودمان یا «تام و جری» در اواخر دهه ۴۰). خلاصه هانا-باربری‌ها بدجور فته بودند توپخ پول در آوردن. ولی غلط از این پیش‌شود. هانا-باربری‌ها یک از این قدر که به قسمهای خاص است. بعدها بدجور می‌گذرد. در توپخ پول در خارج از خانه و دنیاپندگان هایشان در زبان و فیلیپین پاتایوان آنچه شووش بخاطر همین سیاست از طراحت شد. جلوه‌های پیش‌زیست و رنگ و لاعب تولیدات کارهای ایجاد شد. اگاه‌آهاده از این شکایت بعدها بدجور می‌گذرد. ناخواهادگار باعث کاسته شود. هانا-باربری‌ها آن قدر که به قسمهای دیالوگ‌ها و موسیقی کارتوون‌ها توجه داشتند. کیفیت‌های بصری اهمیت نمی‌دانند. تم‌های آشنا و گروش گذاشت.

الگوهای تکراری استادان دیگر پیشتر از این جواب نمی‌داد و مقتدرن پنهان‌نی هایشان را شروع کرند. از طرف دیگر نمایش‌های کمدی شنیده شبه‌های شبکه‌های مختلف تلویزیونی، به جو و بارباری شرکت‌های بعدها ورشکستگی، شرکت «ترنز بروکستینگ» (این شرکت از خرید تاسر و سامانی پلافلیل به دعازدگان و رشکستگی، شرکت «ترنز بروکستینگ») این شرکت از خرید تاسر و سامانی شرکت‌های میل «ماروی بردن» که حق ناشمان بین‌المللی شرکت‌هایی می‌باشد. فریبیست، تهیه کننده تلویزیونی به جو و بارباری رئیس این شرکت، استعداد عجیب در احیا مجدد هانا-باربری می‌نماید. شکسته داشت. ناگفته نماند که او شرکت‌های بخ ناشده این کمیابی را مستخر می‌کرد. همان موقع شبکه‌های بزرگی مثل MTV و سراسر دنیا دارد.

## هانا و باربر اچ‌گونه «هانا-باربر» شدند؟

حکایت زوج شدن این دو نایفه تولید کارتون، مثل تمام زوح های این کارتونی ای که هانا و باربر از این شرکت که توپخ دهه ۲۰ است که رکود اقتصادی و بیکاری و هزار و یک مشکل دیگر آن‌ها را در کمیابی های مختلف تولید فیلم در همگیر جمع می‌کرد. توانایی های یکدیگر را مشاهده و خلاصه کاری رفیق می‌شوند اولین ایلی و ولیام هانا در یکی از شرکت‌های تولید کارتونی و ساختهای «هانا-باربر» آن کاری کرد. اما طولی نکشید که آن شرکت از کمیابی وارن جدا شد و به کمپانی نمایش «مترو-گلدن-میر» پا همان «اجی‌ام» ملحق شد. اولین مجموعه کارتونی ای که هانا و باربر از این شرکت که توپخ دهه ۲۰ است که رکود اقتصادی و بیکاری و هزار و یک مشکل دیگر آن‌ها را در کمیابی های مختلف تولید فیلم در همگیر جمع می‌کرد. هانا ترکیب گرفت و کمیابی کارکنان سیاست‌دار را استخدام کرد. مثلاً با تالر و دان مسیک داده که جو و بارباری به جای شخصیت ردی که یک سگ بود رخ می‌زد و بدهارهای کارکترهای مشهور دیگر «هانا-باربر» ملک سگ ساده‌لو سری «یوگی و دوستان» (هکلبری هوند) پاپی ترس و صورتی شرکت «هانا-باربر پروداکشنز» سال ۱۹۶۰ بود که توپخ هانا و باربر تشکیل شد و مدت هاساختمان و شکلکات مسقلانی نداشت تا بالآخره در ساختهای در هالیوود غربی کالifornیا اصلی استفاده شد. مثلاً با تالر و دان پیمانی هم با بخش تلویزیونی کمپانی تولید فیلم «کلمبیا پیچرز» بست تا خیالش از بابت توزیع کارهایش راحت شود.

بعد به شرکت تولید کارتون «سری تونز» و آن جایه همین «اجی‌ام» رفت تا سال ۱۹۷۹ همکاری همیشگی و پایه تأثیت و لیلام هانا شود. همان موقع بود که آن روزگار و فقط برای همین بروزه، ۱۷ سال همکار بودند و چایره اسکار هم نصبشان شد. جوزف باربری و ولیام هانا در حال گرفتن یکی از جوایز متعدد دوران



جوزف باربری و ولیام هانا در حال  
گرفتن یکی از جوایز متعدد دوران





# آواز خوان‌های پاپ در بازار دو صد ایشنه مشهور «هانا-باربرا»

نوید غضنفری

دانس باتلس، صدای پیشنهاده همراه اهل ایالت لو کاس، از ششمین ترین مناطق جنوبی آمریکا، از اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی، حاکم مطلق و خالق صدایها و تیپ های بسیاری از کاراکتر های کارتونی «پاپ تلویزیونی» بود. با تدریج اتوسینما و سینما در دهه ۱۹۴۰ به کمیانی MGM رفت و تکس اوری (آنیمیاتور مخصوصاً حی امو خالق «بگزبانی» و «دافی داک») به عنوان نزیر تکار تون های کوتاه شدن گویش تبییک او به بصر برداشت. در اواسط دهه ۱۹۵۰، تکس اوری از بالر خواست تا به جای کاراکتر «روپی داگ» که تازه خلق کرد گردید بود حرف بزندامان بالر پیشنهاد صدای پیشنهاد دیگری به این نام میگفت. را داد و داد مسیک به لحن طنزآری و کشیدگی خاص جنوبی ها را اضافه کرد و با ته لهجه کارولینایی، «روپی داگ» را گفت. از این به بعد بالر مسیک مثل زوج های کارتونی «هانا-باربری» همراه دائمی بود گری بودند (در سری The Yogi Bear Show). بالترهای جای بوقیر حرف مزید بیو و بیو را مسیکی گفت و در واقع با همهین تیم دونفره شان، صدای پیشنهادی از همان زوج های کارتونی شدند. اما پیش می آمد که بالترهای خاطر نویان ای اش در ایجاد بیت های مختلف، گاهی به چه هفت هشت کاراکتر مختلف حرف بزند. مثل کاری که برای بیو بیو و دوستان اتفاق داد و همه کاراکترها را کی تند و با نتیجه های مختلف اجرا کرد. «هانا-باربری» (نصف یاتمام) محبوبیت مطلق دودهای اش را مدبون صدای پیشنهاده ها و نویسنده گانی است که همتن های شان را با اسلامی مردم آمریکا معرفت نمیکنند. این ها قبلاً «کارتون های رادیویی» دادند. دانس بالر در ۱۸۱۹۸۸ پر اثر حمله قلبی در سن هفتاد و دو سالگی درگذشت. دان مسیک نیز در ۲۴ اکتبر ۱۹۹۷ در هفتاد سالگی از دنیارفت.

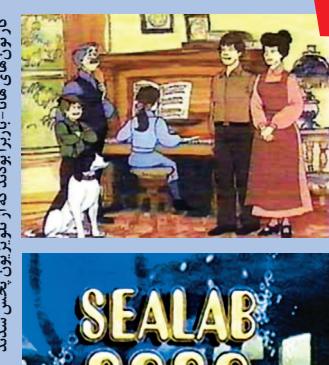


# شنبه پخش می شد

للاح «کارتون های شنبه صحبت ها» معمولاً برای آن تئیمیشن هایی زمینه رفت که از او سطح دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، عموماً صحبت های از شبکه های تلویزیونی آمریکا پخش می شد.  
ین کارتون ها که واپسیت به دیالوگ هم بودند، دهه ۶۰ و ۷۰ دوازدهه ۸۰ به بعد، کم از این زمان رفت و دهه ۹۰، کلابه وشی سیر پرداشت. کلیشه های رایج داستان های این کارتون های بالی چند تا چیز بیشتر نبودند:  
ابیر قهرمان های بدون خشونت



A black and white photograph of Don Bluth, a man with glasses and a beard, smiling. He is positioned in the center, with various cartoon characters from his movies like "The Land Before Time" and "An American Tail" surrounding him. The characters include a large brown dog, a small cat, a mouse, and several other animals.



# انگوری انگوری!

اوه مظاہری

ک تام و جری تازه. قرار بود گوریل انگوری، یک تام و جری جدید باشد. تام و بری ای که این بار بر خلاف سنت دیرینه شان با هم دوست بودند و حاششان را برای می دادند. تام شده بود یک گوریل ۱۳ متری (۴۰ فوتی) خجالتی که عاشق انگورو وز بود، جری هم یک ماشین خردیده بود و اسمش شده بود بیگانی بیگانی (Beegle). این وسط یک تغییر هویت کوچولو هم اتفاق افتاده بود، جری از موش دن استعفای داده بود و شده بود سگ. یک سگ سفید دوست داشتنی که اصغر ضلیلی به جایش حرف می زد، همان کسی که یک عمر به جای ووودی آلن حرف زد و را عاشق صدای خودش کرد.

نگلی بیگلی از ماشین پیاده می شد و انگوری از روی سقف می آمد پایین، سقفی که هیچ وقت به  
اطریزون مثلاً زیادان گوریل ۱۳ متری، حتی یک سانت هم کج و کوله نشد.  
همان موقع بود که با یک آدم غیری به روپروری شدن و خودشان را بیگلی بیگلی و انگوری معرفی  
کردند و طرف با تعجب می گفت: «اما! تو که بیک نفری!» و آن وقت بود که طرف، تازه متوجه  
انگوری نازنین می شد: «اوای، این که بیک گوورری ییل گدنه است! مردم بیچاره نمی دانستند  
نه این گوریل ۱۳ متری، بی آزار تراز هر آدم یک متری دیگری است، آزارش حتی به فیل هم  
رسد چه بر سرده آدم.  
منستقهاه، سُذّقه، آم بکار هم مثا هم: آدمهاء غسیله داخله کار، نه: با گه، با انگه، ه،



گوریل انگوری



فیاوه لوك خوش شناس در كتاب های  
كميک اش در طول سال ها خيلی فرق کرده است



ناتحالاً ۷۱ کتاب از مجموعه داستان‌های لوک خوش‌شانس منتشر شده که آخرینش همین دو سال پیش روی پیش‌خوان کتابفروشی‌ها رفت. درده کتاب اول، خود موریس علاوه بر طراحی صفحه‌های داستان، نویسنده‌گی آن‌ها را هم بر عهده داشت، اما بعد از آن در سال ۱۹۵۷ تضمیم گرفت سراغ رنه گوسینی برود و از او بخواهد تا داستان هارابینویسی‌داز این جایه بعد موریس تنها داستان‌های گوسینی را تصویر می‌کرد و اتفاقاً هم همکاری که تازمان مرگ گوسینی ادامه داشت، باعث شد شهرت و موقفیت مجموعه چند برابر شود. پس از گوسینی، موریس دست از کار نکشید و ۲۱ کتاب دیگر با کمک نویسنده‌های مختلف منتشر گردت. تالین که اجل به سراغ او هم مدد و در سال ۲۰۰۱ دار ندیارا وداع گفت. آخرین کتابی که گوسینی تصویر کرده، یک سال بعد از مرگش منتشر شد و دو سال بعد، هفتاد و یکمین کتاب لوک خوش‌شانس در حالی منتشر شد که به جای نام طراح، نام دیگری غیر از موریس جای شده بود.

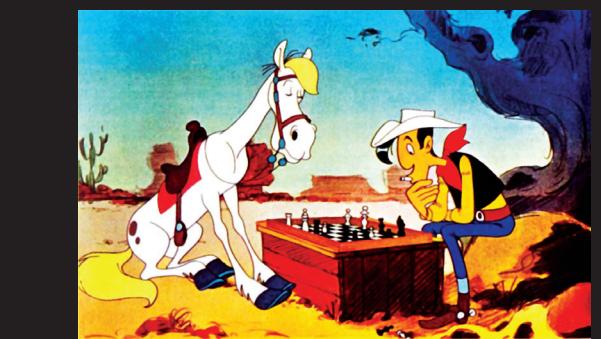
در ۱۹۸۳ کتابی «هانا - باربارا» با همکاری موریس، پس از این کتاب از تئاتر خارج شد و بعدها نیز در سینما نمایش داده شد.

لوك خوش‌شانس «بعد از تن-تن» و «آستریکس»، معروفترین و موفق ترین کاراکتر خیرانگلیکسی دنیای کمیک بوک هاست. این غیرانگلیکسی بودن نه به ملیت شخصیت داستان، که به ملیت طراح و نویسنده آن بریگزیده موریس بلژیکی (۱۹۳۳-۲۰۰۱) در اوایل دهه ۴۰ میلادی در یکی از معروف‌ترین مجلات کمیک فرانسوی به اسم Spirou طراحی می‌کرد و پس ازین که گذارش به غرب و حاشی می‌افتد و شش سال در آن جاماندگار می‌شود، تضمیم می‌گیرد شخصیت کاچوچانی را خلق کند و با فیلم‌های وسترن آن دوران شوختی کند. همین حاست که لوك خوش‌شانس زاده می‌شود.

لوك خوش‌شانس، کابوی تهابی است که به جز اسب روشنفرکش «جالی جامپر» و یک سگ دست و پاچلتی به‌اسم «لن تاز بلان» (که مایر ایهابه اسما «بوشو-وگ» می‌شناسیم‌اش)، هیچ هدم دیگری ندارد. کار و بارش هم این است که در ده‌مکدهای پرت و دور افتاده آمریکا دنبال مجرمان سبقه‌دار و فراری بگرد و آن‌ها را به چنگال قانون پسپاره‌د. اما انتکه جال داستان، این حاست که

اقرباً اکثر شخصیت‌های فرعی که حضور ثابتی در کتابهای لوک دارند از روی شخصیت‌های واقعی الهام گرفته شده‌اند، مانند بیلی بچه (Billy the Kid)، کالاگریتی جین (Jesse James) و گروه جس جیمز (Jamey Jane) که در زمان خودشان جزو معروف‌ترین خلافکارهای ایالات متحده بودند. حتی قاضی روی بین (Roy Bean) هم که در بعضی داستان‌ها سروکلمش پیش از شو، در زمان حیاتش یکی از خوش‌نام‌ترین قاضی‌های آمریکا بود و هنوز هم از او به عنوان یکی از اسطوره‌های قانون‌مداری یاد می‌شود. اما معروف‌ترین شخصیت‌های فرعی داستان که بیشترین حضور را در مجموعه دارند، برادران دالتون اند که دشمنی شان بالوک، اکثر اتفاق‌های کتاب را رقم می‌زنند اتفاق در تاریخ آمریکا که، گروه خلافکاری به نام دالتون همی‌شو پیدا کرد که تخصص شان در سرقابت از بانک‌ها بوده‌اما این دالتون‌های واقعی، آن دلتون‌های نیستند که در کتابهای لوک خوش‌شان حضور وجود دارد که در نسخه‌وله شده چیزی از آن نمانده: لوک سوار بر جالی و در حالی که بوسو و گه آن هارا ندیم می‌کندر و بغرب، آرام و خسته حرکت می‌کند و به تدریج صدای موسیقی اوج می‌گیرد و خواندنها با صدایی خسته شروع می‌کند به خواندن: «من گاچران تنهای هستم که از خانه‌ام دور افتاده‌ام...»

I'm a poor lonesome cowboy, and a long way from home



# LUCKY LUKE

